

و آیین‌های مذهبی - اجتماعی و برگزاری نمازهای ایام مخصوص هم‌چون عید فطر و برگزاری میلاد و درگذشت و شهادت ائمه اطهار (ع) و هم‌چنین اجرای مراسم سوگواری درگذشتگان عموم جامعه، و مسجد به‌عنوان کانون این مراسم جایگاه ویژه‌ای دارد.

نمود دیگر مسجد در فرهنگ ما که غنی از مسایل حکمی و فلسفی است، در ضرب‌المثل‌ها می‌باشد. ضرب‌المثل‌ها که جزئی از فرهنگ مردم را تشکیل می‌دهند و در میان هر قوم به‌عنوان یک رکن اساسی و مهم در زبان و ادبیات‌شان محسوب می‌شود در واقع چکیده فلسفه آن جامعه در قالب جملاتی کوتاه نشان می‌دهد که نمودار ذوق و قریحه، صفات روحی و اخلاقی، تصورات، رسوم و عادات آن ملت به‌شمار می‌آید. ضرب‌المثل‌ها دارای ریشه و منابع مختلفی هستند که گاه مصرع و بیتی از یک شعر، گاه جمله‌ای قصار از شخصیتی بزرگ و گاه ریشه تاریخی و وقوع حادثه‌ای را نشان می‌دهد و مسجد به‌عنوان یک نهاد فرهنگی در مثل‌ها خود دارای جایگاهی است و ضرب‌المثل‌ها زیر نمونه‌هایی از این دست است:

آن‌جا که عبادت باید عبارت سود ندارد.

اگر مسجد خراب است، محرابش به‌جاست.

اول چاه را بکن، سپس مناره بدزد.

اول نماز سپس نیاز.

جای مهر گذاشتن.

در مسجد نه کندن است نه سوزاندن.

مسجد اقصای ماست خاطر دانا.

مسجد المرثه بیتها

مؤمن مسجد ندیده^۱

خواب و تعبیر آن نیز در باور مردم ما از اهمیتی خاص برخوردار است. شیخ ابوالفضل حبیب بن ابراهیم التفلیسی در کتاب تعبیر خواب خود در باره مسجد می‌نگارد:

دیدن مسجد آبادان او دلیل بر مرد عالم است مردم پیش او آیند از بهر صلاح دین، اگر دید مسجدی بنا

کرد دلیل که با مسلمانان نیکی کند. جابر گوید دیدن بنا نهادن مسجد دلیل زن‌خواستن است اگر مسجدی بنا کرد دلیل که زنی دین‌دار بخواهد. اگر چراغ مسجد بیافروخت دلیل که در کاری که دارد روشنی ظاهر شود. ابراهیم گوید اگر در مسجدی نماز کرد بی‌قبله دلیل بر بی‌دینی است اگر دست و روی خود در مسجد می‌شست دلیل که مال خود را در آن مسجد هزینه کند و مرادش حاصل شود. اگر دید مسجد خراب شد دلیل که عالمی بمیرد از آن‌جا اگر دید جایگاهی ملک او بود مسجد شد دلیل است شرف و بزرگی است در دین. اگر دید به مسجد یا مکه یا مدینه رفت دلیل که از همه ترس‌ها ایمن شود و مراد دنیوی و اخروی حاصل کند.

فرهنگ مردم ایران آمیزه‌ای است از تمام عناصر فرهنگی که بیش‌ترین حجم آن مربوط به اعتقادات دینی است و مردم ما، مردمی مذهبی هستند لذا اماکن مذهبی نیز جایگاه ویژه‌ای در این میان دارند و مسجد از تقدس والایی برخوردار است و این شأن و منزلت، خاستگاه تجلی فرهنگی مردم ما است.

منابع و مأخذ:

۱. دانش‌نامه جهان اسلام، حرف ب، جزوه سوم، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۲، صفحه ۳۰۸.
۲. مونس، حسین مسجد و ساختار جماعت اسلامی، ترجمه محمد سپهری، مسجد شماره ۳۰، سال پنجم (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، صفحه ۵۶.
۳. گفت‌وگو با حجة الاسلام والمسلمین امام جماعتی، وقف میراث جاویدان، شماره اول، سال اول (بهار ۱۳۷۲)، صفحه ۵۴.
۴. مونس، حسین. مسجد و ساختار جماعت اسلامی، ترجمه محمد سپهری، مسجد شماره ۳۰، سال پنجم (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، صفحه ۵۶.
۵. محراب‌بینگی، محمدعلی. کربلا، آب فرهنگ مردم، طرح تحقیق در همایش محرم و فرهنگ مردم، اردیبهشت ۱۳۷۶.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. امثال و حکم، دوره چهارجلدی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴، چاپ هشتم.

مسجد در مرکز اقتصادی شهر نیز واقع بود، بازارها و بازارچه‌ها در اطراف مساجد ساخته می‌شد و فعالیت‌های اقتصادی در آن انجام می‌شد و شاید به خاطر تقدس مسجد و روحیه معنوی موجود در آن، داد و ستد و مسایل مالی به شکل عادلانه و منصفانه صورت می‌گرفت و هم‌چنین حضور مؤمنان و رفت و آمد آنان در بازارهای اطراف مساجد تأثیرگذار در روحیه فروشندگان بود. نمازگزاران نیز احتیاجات روزمره زندگی خود را - بعد از خواندن نماز - در این بازارها برآورده می‌ساختند و این کلام الهی را که: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا لِلَّهِ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» پس آن‌گاه که نماز پایان یافت باز در پی کسب و کار خود رفته و روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید. و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید. (سوره جمعه، آیه ۱۰) به اجرا می‌آوردند.

وجود بازارها در کنار مساجد، نه تنها سودآور برای فروشندگان است بلکه یک عامل اقتصادی نیز برای مسجد می‌باشد، چرا که با حضور کسبه محل و جمع‌آوری اعانات آنان منابع مالی مورد نیاز مسجد نیز تأمین می‌گردد و این تقابل دوطرفه یکی از ویژگی‌های ساختاری فرهنگی مسجد است. یکی دیگر از مسایل اقتصادی مساجد، «وقف» می‌باشد، مسجد به عنوان کانونی مقدس همیشه مرکز خیرات و نذورات مردمی بوده است. مقوله وقف در ابعاد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است که می‌توان آن را به عنوان شاکله رفتار به‌هتجار، در وجوه اقتصادی و فرهنگی در نظام ارزشی مکتب اسلام تعریف و تبیین کرد^۳ و مسجد بنا به جایگاه ویژه‌اش از اهمیت خاصی برخوردار است و طبیعی است موقوفات بسیاری از قبیل پول، زمین، آب، بازار، مغازه و حمام داشته باشد و هم‌چنین شهریه روحانیان، علماء، مدرّسان، مؤذنان و خادمان از محل عواید این موقوفات و هزینه اطعام فقرا و رسیدگی به وضع ایستام پرداخته

شود. وقف باعث ایجاد امور عام‌المنفعه مانند مغازه، آب‌انبار، سقاخانه و درمانگاه در حریم مسجد می‌گشت که از درآمد آن نیز هزینه‌هایی جهت حفاظت و مرمت مسجد و اماکن موقفه تعلق می‌گرفت و این تقابل مفید مسجد و مردم در باورهای آنان تأثیر به‌سزایی داشت.

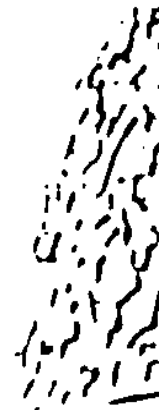
مسجد به‌عنوان مرکز تصمیم‌گیری سیاسی از زمان پیامبر اکرم (ص) مطرح شد. در تاریخ مردم ایران نیز مسجد به‌عنوان پایگاه سیاسی علماء و مردم بر علیه ظالمان و ستمکاران بوده است. بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایی که موجب براندازی حکومت‌ها و نظام‌های جور شد، در مسجد صورت گرفت، چرا که در باور و فرهنگ مردم ما مسجد مکانی مقدس است و علماء نیز افرادی والا و دارای درجات معنوی هستند لذا سخنان و مواضع‌شان صحیح است. و نیز، مسجد مهم‌ترین پناهگاه مظلومان از دست جابران و محلی برای تحقیر و اعلام خشم و کینه به حکام بوده است و این باور مردمی، حاکمان جور را از حمله مستقیم به مساجد باز می‌داشت.

در فرهنگ مردم ما؛ مسجد کارکرد آموزشی نیز دارد و این مسئله از چندین جهت قابل تأمل است، خطبه‌های نماز، کلاس‌های آموزشی و مکتب‌ها، کتابخانه‌ها، حوزه‌های علمیه در مساجد، خود دست‌آوردی آموزشی دارد، مردم مسلمان ایران «مساجد را مراکز آموزش و تعلیم و تربیت قرار دادند، زیرا همواره دانش از اختصاصات جماعت اسلامی بود و دولت، خلفا یا حکومت شاهان و سلاطین حتی خلفای راشدین هم در قبال آموزش مسئولیتی نداشتند، بلکه آموزش ویژه افراد و جماعات اسلامی بود. جامعه نیز تأمین زندگی معلمان را بر عهده داشت؛ خواه معلمان کودکانی که خواندن و نوشتن می‌آموختند و قرآن حفظ می‌کردند و خواه استادان عالی‌قدری که در مساجد، دانش خود را در علوم قرآن، حدیث، فقه، لغت و ادبیات به دانشجویان انتقال می‌دادند.^۴

هم‌چنین مسجد محلی است برای برگزاری مراسم

مسجد (جامع) به سبب تقدم و ظايف مذهبي در جاي مناسبی در هسته مرکزی و محور اصلی شهر ساخته می شد و بازار به عنوان مرکز معيشت مردمی و فعاليت های صنفی معمولاً در جوار مسجد جامع قرار داشت. محله حکومتي و ساختمان های عمومی و دولتي از این هسته مرکزی دور نبودند، گرچه حکام و ديوانيان برای برکنار ماندن از هياهو مردم به گریز از این مرکز بی ميل نبودند. پیرامون این مجموعه، محله های مسکونی و پس از این ها محله های نیمه روستایی جای گرفته بودند که کم و بیش نما و منظری شهری داشتند؛ در شهرهای نو بنیاد اسلامی نخست مسجد را در محلی مناسب و سپس دیگر اماکن را در نزدیکی آن بنا می کردند و بدین سان شهر به طور کلی نظامی متحدالمرکز داشت.^۱

این نظام شهری - و یا روستایی - تنها در اماکن ظهور نکرد بلکه در ساختار فرهنگی مردم نیز نمود و بسط داشت. مسجد به سبب مسابیل معنوی خویش پایگاهی چند منظوره بود که در آن همه ائمه، جامع، یا تمامی باورها و عقاید خویش همه روزه به دور از هم جمع می شدند و به تمامی امور مربوط به جامعه خود رسیدگی و مشارکت می نمودند و در واقع، مسجد، مرکز ارتباطی جماعت اسلامی و بدنه مادی ملموس آن است. جماعت اسلامی کامل نمی شود مگر با داشتن مسجدی که اعضای آن را به هم وصل کند و مرتبط سازد؛ مسلمانان برای نماز و تبادل نظر در مسجد گرد هم می آیند و برای آگاه شدن از اخبار جماعت اسلامی بدان روی می آورند و در آن جا با بزرگان خود ملاقات و دیدار می کنند^۱ و در حقیقت مسجد اصلی ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که می شد از تمامی اخبار و وقایع باخبر گردید. زمانی که مؤذن اذان نایه هنگام می گفت، همگان می فهمیدند که حادثه ای مهم اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می رسانند تا از آن خیر مطلع گردند.





مسجد و فرهنگ مردم

محمدعلی محراب‌بیگی

در فرهنگ مردم، ما مسجد تنها یک بنا و ساختمان نیست، مسجد تنها محراب، منبر، مناره، گنبد، ایوان، شبستان و رواق نیست، مسجد محفل انسی است برای فارغ‌شدن از خود، گذاشتن و گذاشتن، پروازی از درون خویشتن خویش به سوی او. مسجد سجده‌گاه عاشقان است؛ خانه یار است، خانه میزبانی نهانی که حضورش را باید با جان حس نمود؛ پس محضر چنین یاری در چنین مکانی از ویژگی‌های به‌خصوصی برخوردار است. مسجد خانه خداست، پس همه چیز آن خدایی می‌شود، قداست می‌یابد و از ارزشی بسیار والا برخوردار می‌گردد. مسجد در فرهنگ مردم ما نه تنها به‌عنوان یک نیایشگاه مطرح است، بلکه کارکردهای بسیار دیگری نیز دارد.

بعد از تجلی دین مبین اسلام و ساخته‌شدن اولین مسجد به دست پیامبر اکرم (ص)، مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، آموزشی و هنری در هر شهر و روستا و منطقه‌ای مطرح شد و این مرکزیت نه تنها به صورت بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت شد.